

آینده پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

روح‌الله شاکری زواردهی*

عیسی مولوی وردنجانی**

چکیده

پس از چرایی و چگونگی وقوع انقلاب، یکی از موضوعات برجسته و حائز اهمیت در هر انقلابی، آینده و چشم‌انداز پیش‌روی آن است. پژوهش در تحولات آینده انقلاب‌ها، از موضوعات پرکاربرد در حوزه سیاست و نظریه‌پردازی درباره انقلاب‌ها به‌شمار می‌رود؛ بنابراین پژوهش حاضر درصدد است با روش آینده‌پژوهی پس‌نگری به این مسئله بپردازد که آینده انقلاب اسلامی ایران در تلاطم تحولات چگونه خواهد بود؟ از آنجایی که انقلاب اسلامی حدوث و بقای تمدنی دارد؛ یافته‌های پژوهش، نمایانگر آن است که چشم‌انداز و منتها الیه انقلاب اسلامی پس از گذشت چهار دهه از حیات خود، تمدن نوین اسلامی را ترسیم ساخته است؛ چراکه به‌جهت برخورداری از ماهیت دینی، ظرفیت‌های تمدنی، بینش مردمی، وجود شخصیت‌های سیاسی مذهبی راهبر، گام‌های مؤثری در مسیر تمدن‌سازی نوین متناسب با ساخت و بافت ذهنی و عینی اسلام و ایران برداشته شده و چشم‌انداز آینده آن هموار شده است.

واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی، انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای.

shaker.r@ut.ac.ir

molavi131@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

*. دانشیار گروه شیعه‌شناسی و معارف اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۲

طرح مسئله

انقلاب اسلامی به‌عنوان پدیده‌ای که فراتر از چارچوب نظریه‌پردازان به وقوع پیوست؛ ادبیات جامعه‌شناسان را در حوزه تحولات اجتماعی دگرگون ساخت، چرا که حکایت از برجستگی‌ها و عناصر مهمی چون فرهنگ، ایدئولوژی، دین و رهبری مذهبی در خود دارد که چندان در اصول فکری نظریه‌پردازان انقلاب نمی‌گنجد. هرچند انقلاب اسلامی و حتی چشم‌انداز آن از منظرهای گوناگونی موردتوجه قرار گرفته است و رهیافت‌هایی برای آن بیان گردیده، اما بدون اتکا به مؤلفه‌های وجودی آن نمی‌توان افقی فراتر از تحلیل‌های مادی برای آن لحاظ نمود.

امروزه باگذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولان نظام توانسته‌اند علل پدیدارنشونده انقلاب را به عوامل تداوم‌بخش نظام سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل نمایند؛ در واقع رهبران نظام که با قاعده‌مندی و تئوریزه کردن مطالبات تاریخی جامعه ایران در طول حیات نظام جمهوری اسلامی به نوعی تبیین‌کننده پیدایش و تداوم انقلاب اسلامی نیز هستند، توانسته‌اند قدرتی نرم را در جهت پیشبرد نظام جمهوری اسلامی به خدمت بگیرند و به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی پیش روند. باتوجه به آنچه بیان گردید مسئله تحقیق حاضر بر این محور است که منتها الیه و نظرگاه انقلاب اسلامی در پیش روی خود مبتنی بر چه شاخصه‌هایی است. درواقع آینده و چشم‌انداز انقلاب اسلامی در جامعه جهانی به چه سمت‌وسویی در حرکت است؟

به نظر می‌رسد بهره‌برداری مطلوب و صحیح از دستاوردها در طول تاریخ مبارزات ایران و داشته‌های امروزی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - ایرانی دغدغه اندیشه‌ورزان و رهبران انقلاب اسلامی است چراکه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی برآمده از آن، در صورتی می‌تواند در عرصه اندیشه و عمل در جامعه جهانی پویا و بالنده باشد که به سمت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی حرکت کند؛ به عبارتی تداوم و حیات انقلاب اسلامی و حضور زاینده این انقلاب در عرصه جهانی، تنها از مسیر تبدیل‌گشتن به تمدنی پویا ممکن خواهد بود. براین‌اساس تمدن‌سازی انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه اسلامی به مثابه افق و چشم‌انداز تداوم و حیات انقلاب اسلامی امری ضروری تلقی می‌گردد.

با توجه به پژوهش‌هایی که در خصوص تمدن نوین اسلامی و آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی صورت گرفته، به نظر می‌رسد رسالت محققین در حوزه تولید ادبیات و زوایای شکل‌گیری و نوع دستیابی به آینده‌ای مطلوب برای جامعه اسلامی هنوز ناتمام باقی مانده و نیاز به تفحص و تأمل در ابعاد گوناگون این مسئله وجود دارد. به این خاطر پرداختن به این موضوع حائز اهمیت است.

در این پژوهش ساختار تحقیق این‌گونه است که ضمن تبیین آینده‌پژوهی براساس نظریه پس‌نگری،

در بررسی آینده انقلاب، مبتنی بر دسته‌بندی سه‌گانه آینده «ممکن»، «محتمل» و «مطلوب»، به تحلیل و بررسی غایت انقلاب پرداخته می‌شود که به‌عنوان محتمل‌ترین و به لحاظ ماهوی مطلوب‌ترین آینده در نظر گرفته شده است که ضمن استخراج آن به مهم‌ترین ارکان و مؤلفه‌های دستیابی به چنین چشم‌اندازی با ابتدای بر رهنمودهای رهبران انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

پس‌نگری جایگزینی برای رویکردهای سنتی پیش‌بینی است و روشی است که در آن شرایط مطلوب آینده ترسیم شده و به‌جای برداشتن گام‌هایی که صرفاً تداوم روش‌های کنونی است، گام‌هایی برای دستیابی به آن شرایط تعریف گردیده است؛ بنابراین روش پس‌نگری به‌دنبال این مسئله نیست که در آینده احتمالاً چه اتفاق‌هایی رخ خواهد داد؛ آن‌گونه که در سناریونویسی ملاحظه می‌گردد؛ بلکه به‌دنبال نشان‌دادن پیامدهای اهداف مختلف سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌ها است؛ بنابراین پس‌نگری به‌طرز خاصی سودمند است و خودبه‌خود زمانی رخ می‌دهد که تحلیل روندها و پیش‌بینی‌های بلندمدت حاکی از اهداف و مقاصدی هستند که نمی‌توانند با زمان مصرح مطابق باشند و نیاز به راه‌حلی است که در حقیقت روندها را بشکنند. به‌طور کلی پس‌نگری چشم‌اندازهای آینده‌هنجاری را به منظور تهیه استراتژی به‌کار می‌برد. این رویکرد زمانی عملی می‌گردد که اهداف آینده به روشنی و به دور از هرگونه ابهام تعیین شده باشند و آینده مطلوب متصور شده باشد و سپس برای تعیین مقیاس‌هایی که برای رسیدن به چنین آینده‌ای نیاز دارد تلاش شود که در آن تعیین اهداف، شرح سیستم فعلی، تعیین متغیرهای خارجی و ... ملاحظه می‌شود. (دی‌تور، ۱۳۷۸: ۱۰۳ - ۱۰۱)

آینده‌پژوهی

پژوهش درباره آینده را «آینده‌پژوهی» می‌گویند؛ به‌عبارتی دیگر آینده‌پژوهی، مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها، جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده است. (عنایت‌الله، ۱۳۹۳: ۷) در مطالعات آینده‌پژوهی تحلیل‌های مختلفی ارائه می‌گردد که از آن با عنوان «آینده‌های بدیل» یاد می‌شود. (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۶: ۳) هدف آینده‌پژوهی شناخت و فهم آینده‌های نا‌اندیشیده توسط محققان است؛ چراکه آینده دربردارنده مؤلفه‌هایی است که دارای ویژگی عدم قطعیت هستند. (بل، ۱۳۹۲: ۳۸ - ۳۷)

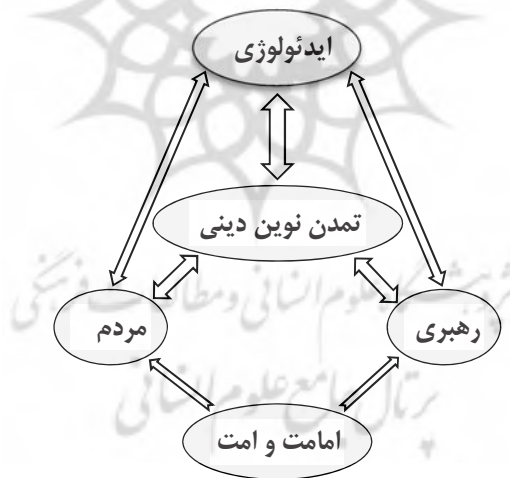
پژوهشی که تصویر مطلوب و آرمانی مبتنی بر نگاهی واقع‌گرایانه و دست‌یافتنی جامعه در افق زمانی معین را بتواند ترسیم کند و برآمده و متناسب با مبانی ارزشی و آرمان‌های نظام و مردم باشد؛ به‌عنوان

مطلوب‌ترین آینده در نظر گرفته می‌شود. (نصری، ۱۳۸۷: ۳۴۶) از این‌رو نظام جمهوری اسلامی پس از سال‌ها اجرای چشم‌اندازهایی در قالب برنامه‌های پنج‌ساله و کسب تجربیات متعدد از اصول مدیریت کشور و عبور از تهدیدات داخلی و بین‌المللی، در راستای گام‌نهادن در مسیر تمدن نوین اسلامی، اقدام به تدوین سند چشم‌انداز در افق بیست‌ساله (تا سال ۱۴۰۴) و سند چشم‌انداز پنجاه‌ساله (که امروزه پیش‌نویس آن ارائه شده) کرده است. براساس این اسناد، ایران اسلامی در افق پیش‌روی خود، کشوری پویا و دارای تمدن نوین ایرانی - اسلامی ترسیم نموده است.

ژرف‌نگری مسئولان و محققان در این اسناد، آینده‌ای بلند برای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی تجسم کرده که به‌عنوان یک سند ملی باید با تلاش و کوشش جهت‌نیل به تمدن نوین اسلامی، بدان پایبند بود و آن را محقق گردانید. مقام معظم رهبری ضمن آنکه دستیابی به تمدن نوین اسلامی را تنها در پرتو مجاهدت خالصانه در راه خدا می‌داند می‌فرماید:

همه تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به‌معنای رنج‌کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشئت‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها می‌شود کفران نعمت الهی. (بیانات، ۱۳۹۲/۲/۱۱)

با این وصف، ارکان و پایه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر رهبری، متشکل از ایمان به اسلام، مجاهدت علمی و عقلانیت توأم با عمل و ... است که برای دستیابی به آن نیاز به عناصر متحد و هماهنگ ارکان نظام می‌باشد.



پیوند و هماهنگی ارکان اصلی نظام و همدلی میان مردم و رهبر (بر پایه امامت و امت)، اساسی‌ترین

گام در تحقق تمدن نوین دینی است. مقام معظم رهبری در این زمینه دو نکته اساسی را در تحقق آن یادآور می‌شود دو چیز را باید در نظر داشت:

یکی به فکر کار و تلاش بودن و خسته نشدن از آن ... و دوم پیدا کردن نقطه‌ای است که شما باید در آنجا کار کنید. اگر شما دانشجویید، اگر کارمند اداره‌اید، اگر شاغل در شغل آزادید، اگر نظامی‌اید، اگر غیرنظامی‌اید، نقطه‌ای را که باید در آنجا حضورداشته باشید و کار کنید، پیدا کنید. (بیانات، ۱۳۸۳/۴/۱۶)

تمدن نوین اسلامی

تبیین مفهوم تمدن^۱ در طول تاریخ اختلاف نظرات بسیاری میان پژوهشگران ایجاد نموده است. به این خاطر تعاریفی که از تمدن ارائه شده دامنه وسیعی را دربرمی‌گیرد. ویل دورانت، تمدن را نظم اجتماعی می‌داند که با وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. (دورانت، ۱۳۹۱: ۳)

دهخدا تمدن را «تخلیق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» دانسته و بیان می‌کند که تمدن، دارای خصیصه مولد بودن است. (ر. ک: دهخدا، ۱۳۷۳: ۴ / ۶۱۰۹)

همچنین تایلور تمدن را مترادف با فرهنگ گرفته و از منظر مردم‌شناسی تمدن را ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری که به‌وسیله انسان در جامعه خود به‌دست می‌آید؛ می‌داند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۵ / ۴۸) آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تعریف تمدن می‌فرماید:

تمدن یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی. (بیانات، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴)

براین اساس در اندیشه ایشان، تمدن بیانگر ساختاری اجتماعی است که در آن زمینه پیشرفت انسان و تحقق جایگاه خلافت الهی فراهم می‌شود.

با توجه به نظرگاه‌های مختلفی که در این حوزه وجود دارد به‌طور کلی می‌توان برای همه تمدن‌ها چند ویژگی اساسی را برشمرد؛

۱. تمدن منوط به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی قانونمند است.
۲. گستره یک تمدن به مراتب بیشتر از یک حکومت و حتی یک فرهنگ خاص است و بالطبع عمر طولانی‌تری از عمر حیات اجتماعی یک جامعه خاص را برخوردار است.

1. Civilization.

۳. تمدن‌ها دارای جنبه‌های سخت (ساختارها، محصولات و ...) و جنبه نرم (فرهنگ، عقلانیت و ...) می‌باشند.

۴. تمدن‌ها دارای نظام‌های اجتماعی متعددی می‌باشند که به‌طور اصولی تمامیت یک تمدن را محقق می‌سازند؛ مانند نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

۵. شکل‌گیری یک تمدن محصول هماهنگی نظام‌های اجتماعی خاصی است که به پذیرش اجتماعی رسیده و نهادینه شده‌اند. (زمانی، ۱۳۹۰: ۵۶)

برخی در تبیین تمدن اسلامی بیان داشته‌اند، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام باشد. بدین ترتیب تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... است. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲ - ۵۱)

براین اساس تمدن، گسترده‌ترین ساخت هویت فرهنگی است. (Baylis & Smith, 1997: 376) چنین تناسبی نیز میان انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی وجود دارد که چگونه فرهنگ منبعث از انقلاب اسلامی در حال بازتولید تمدن نوین در عرصه ایران و جهان اسلامی است. اگرچه برخی پژوهشگران این را توهمی بیش نمی‌دانند؛ اما باید گفت «تمدن برخاسته از اسلام، چیزی نیست که انکارناپذیر باشد، اگر اسلام تمدن حقیقی و عالی به رنگ و بویی مخصوص، مبنی بر کتاب و سنت اسلام نمی‌داشت، هرگز علمای تمدن غرب، حتی آنها که به حمله و هجوم بر اسلام معروف هستند، مکرر نام تمدن اسلامی را نمی‌بردند و تاریخ آن را شرح نمی‌دادند و آن را با سایر تمدن‌های عالم نمی‌سنجیدند. این تمدن از تمدن‌های مشهوری است که تاریخ عمومی دنیا با آن زینت یافته و با آثار درخشان خود تا ابد تاریخ را پر کرده است». (مستودارد، ۱۳۲۰: ۱۲۸)

البته عامل چنین ضعف فکری در روشنفکران ایران این است که آنان تمدن را در بُعد صنعتی آن لحاظ می‌کنند. (ر. ک: زمانی، ۱۳۹۰: ۲۳) به‌زعم آنها تمدن، تنها تمدن صنعتی است و مهد آن نیز منحصر به غرب است. درحالی‌که تمدن صنعتی فقط بخشی از تمدن است که با شکل‌گیری بسترهای توسعه در جامعه قابل پیدایش و رشد است.

همان‌گونه که جامعه اسلامی در سده‌های گذشته مهد علم و فلسفه بوده است؛ امروزه نیز این ظرفیت را دارد که آن شکوفایی را باز یابد و رشد دهد. در پرتو این نگرش، با شکل‌گیری انقلاب اسلامی این پتانسیل ایجاد گشته و بسترهایی برای بالندگی و پویایی اندیشه اسلامی فراهم آمده است؛ چرا که انقلاب اسلامی دربردارنده پیامی کاملاً متفاوت از نظام معنایی تمدن شرق و غرب در عرصه‌ای نضج یافته است که دوران شکوفایی تمدن غرب قلمداد می‌گردد.

مقام معظم رهبری با نگاهی به تمام ابعاد تمدن اسلامی براین عقیده است که در تمدن نوین اسلامی:

انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی به این معنا است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (بیانات، ۱۳۸۳/۳/۲۲)

با توجه به آنچه پیش از این بیان گردید، هدف غایی انقلاب اسلامی دستیابی و رسیدن به تمدن نوین با استفاده از بنیان‌ها و ارکان اصیل اسلامی است. در این راستا مقام معظم رهبری در تبیین آینده نظام جمهوری اسلامی می‌فرمایند:

ملت ایران به فضل پروردگار با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله اعظم خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این آینده قطعی شماس است. (بیانات، ۱۳۷۶/۵/۲۹)

به‌طور کلی فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با ابتدای بر رهنمودهای رهبری، پنج مرحله ذیل را طی خواهد نمود؛

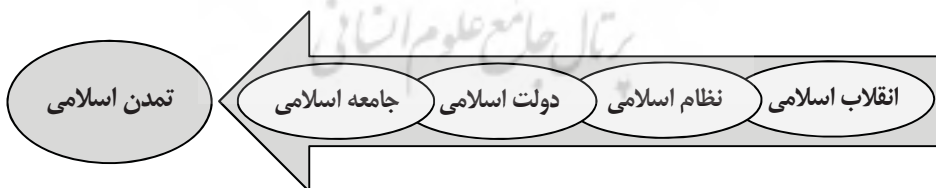
۱. ایجاد انقلاب اسلامی که پرهیجان‌ترین مرحله این فرآیند محسوب می‌گردد؛ چراکه «در دنیایی که همه انگیزه‌ها علیه اسلام و بر دور نگه داشتن ایران از اسلام و قرآن متمرکز بوده است، ملت بزرگ ایران با رهبری و هدایت امام عظیم‌الشأن کار بزرگی را انجام داد که درواقع یک افسانه و باورنکردنی بود». (بیانات، ۱۳۷۳/۶/۲۹)

۲. شکل‌دادن نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه.

۳. ایجاد دولت اسلامی، دولت به معنای مجموعه کارگزاران حکومت.

۴. ایجاد کشور اسلامی که مرحله تبلور نظام اسلامی است.

۵. پدید آوردن دنیای اسلامی (تمدن نوین اسلامی) که پس از شکل‌گیری کشور اسلامی (به‌عنوان الگو) تحقق می‌یابد؛ بنابراین مراحل تحقق تمدن نوین در ایران اسلامی را می‌توان در نمودار ذیل مشاهده نمود.



آیت‌الله خامنه‌ای ایجاد تمدن درخشان اسلامی را چشم‌انداز پیش‌روی جهان اسلام معرفی می‌کند و معتقد است «مصدق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلام» که «هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی» است، ایجاد یک «تمدن نوین اسلامی» است. (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳) ایشان از منظری آینده‌نگرانه تشکیل دولت اسلامی را به‌عنوان فرآیندی که در شکل‌گیری آن قرار داریم، رهیافتی برای تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند:

ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. (بیانات، ۱۳۸۳/۸/۶)

اگرچه در فرآیند تمدن‌سازی، همه ارکان مهم نظام و جامعه مسئول و سهیم هستند، اما در این میان مهم‌ترین گروه‌ها و نهادها که نسبت به دیگران نقش مؤثرتری دارند، عبارت‌اند از: نخبگان، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، تربیون‌دارها، مدیران دانشگاه‌ها، مدیران فرهنگی و تربیتی، برنامه‌ریزان آموزشی، تدوین‌کنندگان کتب درسی. (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۱۹) البته در این مسیر پرتلاطم تمدن‌سازی خصوصاً تأسیس دولت اسلامی، چالش‌هایی مانند تردید مسئولان در اصل هدف، لغزش مسئولان، دل‌بستگی به رفتارهای طاغوتی و ... نیز پیش‌روست که اگر این اختلال‌ها پیدا شود، حرکت مستمر و مداوم و پویانده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل گیرد، دچار نکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد. (بیانات، ۱۳۸۶/۶/۸)

اساساً اسلامی‌شدن دولت و حرکت مسئولان نظام در مسیر صحیح آموزه‌های دینی، مقدمه رسیدن به جامعه اسلامی است. به‌عبارتی جامعه و مردم، زمانی اسلامی خواهند شد که دولت و مسئولان در خط اسلام قرار گیرند. در این خصوص آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

اول ما مسئولان، اسلامی می‌شویم، وقتی اسلامی شدیم، آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد. (بیانات، ۱۳۸۶/۸/۶)

پیشرفت و تکامل انقلاب اسلامی و اعتلای آن در سطح جهانی

آینده مطلوب انقلاب اسلامی مبتنی بر رهنمودهای رهبر انقلاب و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی «پیشرفت و تکامل انقلاب اسلامی و اعتلای آن در جهان» در نظر گرفته شده است. مقام معظم رهبری شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را چشم‌انداز و هدف غائی حرکت امت اسلامی در میان اجتماعات

بشری دانسته است. «من با اطمینان کامل می‌گویم این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعده الهی، یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است». (بیانات، ۱۳۸۷/۹/۱۷)

پیشرفت و تکامل انقلاب به معنای رشد تفکر انقلاب اسلامی است که در کنار ویژگی‌های این تفکر، همچون آرمان‌خواهی و واقع‌بین بودن، عقل‌گرایی و معنویت‌گرا بودن، موجب تبلور این تفکر در سطح جهانی و پویایی آن خواهد شد.

مطلوبیت این غایت در این امر نهفته شده است که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی پیرو مبانی اصیل اسلام ناب محمدی (ﷺ) و نظام سیاسی علوی (ﷺ) بوده و چنین خطی زوال‌ناپذیر خواهد بود. از سوی دیگر این نظام توانسته چهار دهه بر آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های خود پایدار بماند و گذشته از حل بسیاری از مشکلات و مسائل داخلی، تحرکی نیز در ساختار فرهنگ و سیاست منطقه و جهان در قالب بیداری اسلامی ایجاد نماید؛ بنابراین آینده مطلوب انقلاب و نظام اسلامی، رسیدن به یک «تمدن نوین اسلامی» همراه با تعالی علم و اخلاق و معنویت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص آینده مطلوب انقلاب اسلامی می‌فرماید:

خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این حرکت عظیم نظام اسلامی، حرکت به سمت آن آینده آرمانی است؛ یعنی تمدنی که در آن علم همراه با اخلاق است، پرداختن به مادیات همراه با معنویت و دین است و قدرت سیاسی همراه با عدالت است، این یک حرکت تدریجی است. (بیانات، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

یک) ارکان تمدن نوین اسلامی

با تعمق در اندیشه مقام معظم رهبری درمی‌یابیم که ایشان ارکان شکل‌گیری تمدن نوین دینی را بر سه عنصر ایمان به ارزش‌های توحیدی، عقلانیت توأم با نقل و پیوند علم و اخلاق برشمرده‌اند.

الف) ایمان به ارزش‌های توحیدی

نقطه اتکا اصلی شکل‌گیری تحول در آینده هر نظامی مبتنی بر ایدئولوژی آن جامعه است. (ر. ک: فوکویاما، ۱۳۹۳: ۱۸ - ۱۳) محور اندیشه جامعه ایران نیز اسلام ناب است که در صورت پایداری و ایمان به آن می‌توان به نظامی پویا و غایت انقلاب اسلامی دست یافت. در واقع اسلام شیعی به‌عنوان ایدئولوژی رسمی ایران با داشتن مجموعه‌ای از ایده‌ها و نگرش‌های اعتقادی، ارائه‌دهنده برنامه‌ای هدفمند جهت تعالی انسان و حرکت به سوی کمال حقیقی است. «آن جامعه‌ای که به‌دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است به‌دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار

خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد». (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

بنابراین رکن اساسی تمدن نوین اسلامی، اعتقاد به توحید در این فرآیند است؛ «پس در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام پیدا کرده‌ایم. ایمان ما ایمان به اسلام است». (همان)

براساس چنین رهنمودی رکن حقیقی تمدن نوین اسلامی، آموزه‌های تمدن‌ساز اسلام است که به‌عنوان خمیرمایه اصلی و تأمین‌کننده محتوا و نرم‌افزار این فرآیند در طول تمام مراحل که بیان شده وجود دارد. براین اساس پدیده احیا و اعتقاد به ضرورت رجوع به مبانی دینی و تفسیر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر پایه قابلیت‌های عظیم دین اسلام، رخدادی حیاتی است که در دوران معاصر توانست اندیشه حاکم بر جهان (سکولاریسم) را به محاق ببرد.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی داعیه ایجاد تمدنی «متکی به معنویت، متکی به خدا، متکی به وحی الهی، متکی به تعلیم الهی و متکی به هدایت الهی» را دارد. (بیانات، ۱۳۹۱/۴/۳۱) براین اساس در منظومه فکری ایشان، آموزه‌های تمدن آفرین اسلام، نقشی بی‌بدیل در ایجاد و تکوین تمدن نوین اسلامی دارد و باید چشم‌اندازها و الگوهای پیشرفت و راهبردهای مناسب را با بهره‌مندی از آموزه‌های دینی مبتنی بر قرآن تدوین کرد که لازمه این امر اعتقاد و ایمان راسخ به معارف اسلامی می‌باشد.

ب) عقلانیت به همراه نقل

در جهان اسلام، نقل (قرآن و روایات) جایگاه برجسته‌ای دارد که در کنار عقل، شکل‌دهنده اندیشه اسلامی است. در این میان قرآن کریم به‌عنوان کلام الهی نقشی محوری داشته و نقطه اشتراک تمامی جریان‌های اسلام‌گرا است که ابتدای بر آموزه‌های آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بسیار حائز اهمیت است.

این رکن در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای در واقع حاکی از آن است که در فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، وفاداری به کتاب و سنت با عقلانیت پیوند خورده است. ایشان معیار تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام را عقل می‌داند. چرا که عقلانیت را راهبرد دین و مشعل خرد انسانی قلمداد می‌کند که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز باز می‌دارد. (بیانات، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

به نظر می‌رسد توأمانی عقل و نقل در اندیشه تمدنی مقام معظم رهبری را بتوان رکن «توازن» نیز نامید. ایشان در رهنمودهای بسیاری به ابعاد و اهمیت این توازن پرداخته‌اند و بر این امر تأکید کرده‌اند که حتی در بعثت پیامبر اکرم ﷺ که مظهر وحی و ارسال دین اسلام است، این توأمانی دیده می‌شود.

عقلانیت اولین و مهم‌ترین مسئله است و در درجه اول در بعثت پیغمبر، مسئله عقل

مطرح شده است اولین کار پیامبر مکرم اسلام به فعلیت‌رساندن عقل، برشوراندن قدرت تفکر و تقویت کردن آن در جامعه است. لذا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در علت بعثت انبیاء می‌فرماید «یثیروا لهم دفائن العقول؛ گنجینه‌های عقل و خرد را استخراج کنید» این گنجینه خرد در دل انسان وجود دارد. (همان)

ج) علم به همراه اخلاق

اساساً تحقق تمدن بدون توجه به علم و دانش و پیشرفت‌های علمی امکان‌پذیر نیست؛ اما باید توجه داشت دانش صرف، شرط کافی برای مدنیت و تحقق تمدن نیست؛ «آن کشور و جامعه‌ای که موردنظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی پیشرو باشد.» (بیانات، ۱۳۸۵/۸/۲۰) علم منهای ایمان پیامدش آن چیزی است که امروزه دنیای غرب در ورطه آن افتاده است؛ بنابراین جهان اسلام به‌طور عام و نظام برآمده از انقلاب اسلامی به‌طور خاص، می‌بایست علم توأم با ایمان به غیب را سرمشق خود قرار دهد تا اقتدار اسلام و شکل‌گیری پایه امت واحده اتفاق افتد. (ر. ک: معینی‌پور، لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۶۲ - ۵۵) براین‌اساس در نظام جمهوری اسلامی جهت تحقق تمدن نوین، علم و دانش و دانشگاه تحول محور، عناصر توسعه و پیشرفت هستند. حضرت امام می‌فرماید:

دانشگاهی، یک عضو مؤثری است که ما فردا همه چیزمان دست این‌هاست. اگر ایران بخواهد یک سعادت‌ی پیدا کند با دست اینها پیدا می‌کند. اگر خرابی هم پیدا کند به دست اینها خرابی پیدا می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۷ / ۴۱۲)

مقام معظم رهبری اعتقاد دارند که فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان اقتدارآور است و جامعه صاحب‌علم را قدرتمند می‌سازد. کسانی که دنیای معاصر را از حیث علمی و عملی در چنبره خود دارند، علم را به زیر آورده‌اند. از این رهگذر، تأکید فراوان می‌کنند که باید علم را فراگرفت و بلکه بایسته است تولیدکننده و صادرکننده آن شد و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش تولید علم از نظر ایشان اجتهاد مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه وحی دارد. در این صورت است که تولید علم در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی خواهد بود. (ر. ک: بیانات: ۱۳۷۹/۱۲/۹) اما نباید غافل شد که «در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدرت حرکت پیش‌رونده مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم.» (بیانات، ۱۳۸۵/۸/۲۰)

ایشان در تبیین نقش جوان دانشجو در تمدن‌سازی آینده انقلاب اسلامی، ویژگی‌هایی برمی‌شمرد که او را در تراز انقلاب اسلامی قرار می‌دهد؛ مانند مؤمن و متعهد به فرهنگ اسلامی، پایبند به تعلقات خانوادگی، دارای ایمان، دارای اعتماد به نفس، امیدوار، خوش‌روحیه، شجاع، دارای روحیه آینده‌نگر، دارای روحیه خدمت، پایبند به تعلقات معنوی، پایبند به تعلقات میهنی، دارای بصیرت سیاسی. (ر. ک: بیانات، ۱۳۹۳/۴/۱۱)

با چنین شاخصه‌هایی است که می‌توان مرزهای دانش را شکست و از آفات اصلی تحقق رشد علمی همچون تحجر و جزم‌گرایی در یافته‌های گذشتگان و فرهنگ وارداتی غربی در امان بود. قطعاً زمانی که علم با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه‌های بزرگی رخ خواهد داد. (ر. ک: بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

دو) مؤلفه‌های تمدن‌ساز در ایران اسلامی

با آگاهی به غایت تعیین‌شده برای افق پیش‌روی انقلاب اسلامی، بی‌تردید از برجسته‌ترین مؤلفه‌هایی که روشنگر چشم‌انداز آینده نظام جمهوری اسلامی و کارآمد در تحقق تمدن نوین اسلامی و گویای آینده ایران و اعتلادهنده انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است؛ حفظ و اعتلای مبنای فکری انقلاب اسلامی، یعنی اندیشه سیاسی اسلام شیعی است؛ چراکه برخی صاحب‌نظران مانند جیم کالینز^۱ و جری پوراس^۲ آبشخور مؤلفه‌های ثابت چشم‌انداز یک جامعه و یا کشور را برآمده از جهان‌بینی (ایدئولوژی) آن جامعه می‌دانند. (See: Wessels, 2007)

به‌طور کلی مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که جهت‌دهی به نظامی پیشرفته و پویا جهت رسیدن به تمدن نوین ضروری است را می‌توان این‌گونه برشمرد.

۱. بومی‌سازی پیشرفت همراه با اسلامی‌سازی

مفهوم بومی‌سازی علوم را در واقع در مقابل خودباختگی ذهنی و فکری حاکم بر پیروان اندیشه‌های غیر، مطرح کرده‌اند؛ البته به این معنا نیست که طرد علوم موجود شود؛ بلکه آن است که بتوانیم با تغییرهایی چند علم را با فرهنگ و نیازهای بومی متناسب سازیم. (رجبی، ۱۳۸۸: ۲۷) براین اساس مراد از بومی‌سازی علوم، شکل‌گیری علوم در یک فضای فرهنگی و تاریخی خاص است؛ به‌گونه‌ای که مسائل مطرح در آن علم، ناظر به نیازها و مسائل و گرفتاری‌هایی باشد که در متن آن فضای اختصاصی رواج یافته باشد.

1. Jim Collins.
2. Jerry I. Porras.

یکی از مؤلفه‌های مؤکد سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ و سند پنجاه ساله ارائه شده از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران توجه به رشد، توسعه و پیشرفت در راستای اعتلای ایران اسلامی در سطح منطقه و جهان است. آنچه در این میان از اهمیت بسزایی برخوردار است، بهره‌گیری وافر از دانش و توان بومی و ملی ایران در مسیر تعالی‌بخشی و تمدن‌سازی است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

هدف عمده عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام تأمین شود. (بیانات، ۱۳۶۸/۴/۲۲) مدل توسعه در جمهوری اسلامی به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است، از هیچ‌جا نباید تقلید کرد. (بیانات، ۱۳۸۳/۳/۲۷) به تعبیر ایشان، پیشرفت و توسعه در یک نظام اسلامی دارای یک‌سری سازوبرگ‌های منحصربه‌فردی است که اهم آنها عبارت‌اند از: تحرک و کار و تلاش پیگیر، عزم راسخ، امیدواری نسبت به دستیابی به هدف، صبر و مقاومت، برنامه‌ریزی، هوشیاری و آمادگی برای مواجهه با مشکلات. (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۱)

۲. ادامه راه و خط امام خمینی

بی‌شک امام خمینی یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های نهضت احیاء تمدن اسلامی در دوره معاصر است. تفاوت بارز ایشان با دیگر متفکرین و احیاگران مطرح در حوزه اندیشه اسلامی آن است که ایشان نظر و تئوری را با عمل و اقدام، توأم نمود و مبادرت به تشکیل حکومت و دولت بر مبنای اندیشه و درک اسلامی خود از سیاست نمود. امام خمینی از سه منظر تمدن اسلامی را مورد مذاقه قرار دادند. اول، نگاهی به گذشته تمدن اسلامی و ذکر نقاط قوت، آسیب‌ها و عوامل ظهور و افول آن؛ دوم، رصد وضعیت کنونی جهان اسلام و تلاش به منظور احیای مؤلفه‌های تمدن‌ساز براساس آموزه‌های قرآن و سنت با تأکید بر عقلانیت اسلامی؛ و سوم ارائه راهکار و راهبرد لازم به منظور تجدید حیات تمدن اسلامی.

از سوی دیگر نگاه امام خمینی به انسان و کرامت انسانی نشأت گرفته از آموزه‌های قرآنی است که براساس آن انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است تا اهداف الهی را تحقق بخشد؛ بنابراین امام خمینی به انسان براساس حفظ کرامت و تربیت و مسئولیت‌پذیری و تعامل اجتماعی او نگاه می‌کرد، چرا که انسان، سازنده تمدن والای بشری و انسانی و الهی است و همین انسان اخلاق‌مدار منشأ سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد. براین اساس عمل به سیره علمی و عملی ایشان چراغ روشن آینده ایران اسلامی است؛ بنابراین تحقق تمدن نوین اسلامی، تنها با حرکت در راه امام که همان راه اسلام است،

امکان پذیر می‌باشد؛ «راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است. ما پیمان بسته ایم که این راه را ادامه دهیم و به توفیق الهی ادامه خواهیم داد». (بیانات، ۱۳۸۴/۳/۱۴)

۳. تدوین فرهنگ نوین اسلامی

پویایی فرهنگ، بستر ظهور جوامع فعال و فرهنگ منفعل، نشانه افول جوامع به‌شمار می‌رود. تفحص در تاریخ جوامع، نمایانگر آن است که قدرت اشاعه و بالندگی تمدن‌ها در عناصر فرهنگی آنها رقم خورده است. براین اساس جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، تدوین فرهنگ نوین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در واقع تدوین فرهنگ، پیش‌ساخت اساسی تحقق تمدن نوین است. اصیل‌ترین بن‌مایه‌های فرهنگ نوین اسلامی خردورزی، اخلاق و حقوق است. البته تدوین فرهنگ نوین دارای الزاماتی نیز هست، از قبیل داشتن ایمان، مکتب و ایدئولوژی، پرهیز از تقلید از غرب، پرهیز از سطحی‌نگری و سکولاریسم پنهان و خدمت به مردم که در واقع گفتمان اصلی دولت اسلامی نیز هست. (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۴)

۴. حفظ ارکان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی تبلور یک مکتب فکری غنی است که زمینه احیا و شکوفایی تمدن نوین اسلامی را فراهم ساخت؛ بنابراین در رهیافت آینده‌پژوهی، تحقق آینده محتمل و مطلوب، درگرو توجه و کنکاش در گذشته و پیش‌ران‌های آن است؛ بنابراین رمز تداوم، استمرار و تحقق آینده انقلاب اسلامی مبتنی بر حفظ و تحقق ارکان اساسی انقلاب اسلامی یعنی؛ عدالت، استقلال، آزادی و معنویت اسلامی هست. به تعبیر شهید مطهری، «انقلاب به شرطی در آینده محفوظ خواهد ماند و به شرطی تداوم پیدا خواهد کرد که قطعاً و حتماً مسیر عدالت‌خواهی را برای همیشه ادامه بدهد؛ یعنی دولت‌های آینده واقعاً و عملاً در مسیر عدالت اسلامی گام بردارند. برای از بین بردن شکاف‌های طبقاتی اقدام کنند. تبعیض‌ها را واقعاً از میان بردارند و برای برقراری یک جامعه توحیدی به مفهوم اسلامی آن، نه با مفهومی که دیگران گفته‌اند، تلاش کنند. در دولت اسلامی نباید به هیچ‌وجه ظلم و اجحافی به کسی بشود حتی اگر این فرد یک مجرم واجب‌القتل باشد». (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۹)

بنابراین در صورت فاصله‌گرفتن از آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی و چیره‌شدن دنیاگرایی، رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی و ... نباید انتظار داشت آینده مطلوبی را بتوان برای نظام اسلامی ترسیم نمود.

۵. مبارزه برای استقلال و عدم وابستگی

در تمدن نوین اسلامی، حفظ حریت و عدم‌وابستگی به اجانب و رهایی از بندگی غیرخدا، بسیار حیاتی است.

اساساً در دنیای استکباری کنونی، حفظ تمدن و تحقق تمدن نوین، تنها از طریق مبارزه به حق و در سایه منطق و عقلانیت و حیانی امکان‌پذیر است؛ بنابراین همانند مبارزات انقلابی، نظام جمهوری اسلامی نیز برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی و آینده‌ای متعالی، مبارزه‌ای دائمی با شیاطین درونی و بیرونی و مظاهر طاغوت خواهد داشت. مبارزه و تلاش و جهاد، رمز تداوم انقلاب و دستیابی به ارزش‌های انقلاب اسلامی و عامل پیشرفت و توسعه و تحقق تمدن نوین اسلامی است. «اگر مبارزه مردم، امام و مسئولان نبود این نظام باقی نمی‌ماند. باید تا دستیابی به اهداف انقلاب به مبارزه تداوم بخشید. تفکر تداوم مبارزه انقلابی باید در تمام عرصه‌ها مانند اداره کشور، فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌های علمی، فعالیت‌های فرهنگی، سیاست‌گذاری، تقنین و مذاکرات خارجی گسترش یابد.» (بیانات، ۱۳۹۳/۳/۴)

در تمدن نوین اسلامی و آینده ایران اسلامی، هیچ‌گونه وابستگی در هیچ‌زمینه‌ای پذیرفته نخواهد بود و باید تلاش نمود تا خود و ملت‌های جهان را از سیطره استکبار جهانی نجات داد. این کشور از اول اعلام کرد به دنیا که ما نه تحت حمایت آمریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم. ما بی‌م و تحت عنایات خدای تبارک‌وتعالی و پرچم توحید که همان پرچم امام حسین علیه السلام است. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۷ / ۵۹) اگر کشورها و ملت‌هایی، بتوانند همت کنند و جامعه جهانی را از زیر بختک استعمار و استکبار بیرون بکشند، مشکل حل خواهد شد. (بیانات، ۱۳۹۳/۳/۴)

آنچه ملت و نظام جمهوری اسلامی در مسیر تمدن‌سازی خود پی‌می‌گیرد، حفظ عزت ملی و افزایش اقتدار سیاسی - فرهنگی در حوزه داخلی، منطقه‌ای و جهانی است و عزت و استقلال به‌عنوان رکن تمدن نوین اسلامی، به این معنا خواهد بود که اساساً تمدن اسلامی در شرایط ذلت و وابستگی و تقلیدپذیری حاصل نمی‌شود و این عاملی است که موجب عدم شکست و آسیب‌ناپذیری ملت ایران خواهد شد. «راه این ملت بزرگ ما که پرورده بیانات امام و هدایت‌های امام است، برای رسیدن به اوج اعتلای پیشرفت عبارت است از اینکه این عزت ملی را در همه عرصه‌ها حفظ کند. این ملت می‌تواند به اوج اعتلا برسد که وقتی یک ملت قوی شد، اعتلای مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل شد، یعنی آسیب‌پذیری او از بین خواهد رفت؛ دیگر دشمنان طمع نمی‌کنند.» (همان)

بنابراین راز حفظ استقلال و رفع وابستگی و افزایش بالندگی تمدن اسلامی ایران، تلاش برای رشد اقتدار ملی است. «در یک صورت نظام جمهوری اسلامی می‌تواند خود را به‌طور کامل از خطر و آسیب دشمن مصون نگه دارد و آن وقتی است که با اقتدار خویش آنها را مأیوس کند. روزی که جمهوری اسلامی با اثبات اقتدار سیاسی و اقتصادی خود و با اثبات قدرت ادامه زندگی، دشمن را مأیوس کرد، می‌توان اطمینان داشت که دشمن از توطئه دست خواهد کشید.» (همان)

۶. زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج)

اساس تحقق تمدن نوین اسلامی، زمینه‌سازی ساختاری و زیربنایی، به صورت فکری و عملی برای ظهور حضرت حجت (عج) و بنای نظام اصیل اسلامی است؛ بنابراین غایت تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، اتصال انقلاب اسلامی به قیام بقیة الله (عج) و نهضت مهدوی است. «مسئولان ما بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد». (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۱ / ۳۲۷)

مقام معظم رهبری نیز انقلاب اسلامی ایران را زمینه‌ساز ظهور و نهضت امام زمان (عج) دانسته و هندسه جدید زندگی آینده نظام اسلامی ایران را در چارچوب تفکر مهدوی میسر می‌داند و این نیز با تلاش و انتظار محقق خواهد شد. «برای ظهور مهدی موعود (عج) زمینه باید آماده بشود و آن عبارت است از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام». (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) «شما موظفید این نظام را به شکل پیراسته، سالم و خالص حفظ کنید به همان شکلی که بشود به حضرت ولی عصر (عج) تحویل داد». (بیانات، ۱۳۷۱/۱۱/۶) در واقع در زمان حاضر، انقلاب اسلامی در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است و انقلاب حضرت مهدی (عج) یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک گردیده؛ نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی، آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد، بلکه آن را تسریع هم خواهد کرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۸۳)

۷. حفظ وحدت

به تصریح آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» نظام اسلامی ایران در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، بر حفظ وحدت نظری و عملی در اصول و فروع دین و سیاست تأکید فراوان داشته و راه ایستادگی در مقابل دشمنان را نیز در عمل به همین نکته می‌داند. «شما اگر متحد باشید، شما اگر باهم باشید، شما اگر این روحیه استحکامی را که انقلاب به ملت ما داد و در طول این سال‌ها ملت ما آن را حفظ کرده است، نگه دارید، «لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» هرگز دشمنی آنها به شما ملت ایران نخواهد توانست آسیبی وارد کند». (بیانات، ۱۳۷۱/۱۱/۶)

۸. ایجاد هویت دینی و اسلامی

آینده انقلاب اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، احیا و تعمیق هویت اصیل دینی - اسلامی است.

به‌طورقطع، حرکتی که این انقلاب درپیش گرفته، سبب ایجاد دشمنی‌های زیادی از سوی استعمارگران شده است. در راستای چنین دشمنی‌هاست که حضرت امام می‌فرماید:

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت، پول و فریب را نگیرد. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۱ / ۹۱)

به تعبیر حضرت امام اساس انقلاب و نظام جمهوری اسلامی برای احیای همین امر بوده است؛ «ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا کند. دنبال این نیستیم که حالا ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما» (همان: ۸ / ۴۳) «این نهضت و انقلاب، همه اینها مقدمه این است، از برای اینکه اسلام پیاده شود». (همان: ۱۶ / ۱۳) ایجاد هویت دینی - اسلامی تنها از طریق افزایش و تقویت تقوا و معنویت اسلامی امکان‌پذیر است؛ و چنین مؤلفه‌ای موجب آسیب‌ناپذیری ملت و نظام جمهوری اسلامی و تعالی آینده آن می‌گردد؛ بنابراین تحول معنوی مهم‌ترین قدم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی است. مقام معظم رهبری در تبیین این موضوع می‌فرماید: «اولین و مهم‌ترین کاری که پیش‌روی ما قرار دارد، تحول معنوی و روحی انسان‌هاست. ما متأثر از تربیت طولانی غیراسلامی هستیم. آنچه هیجان عظیم انقلاب و دوران جنگ انجام داد، البته معجزه بود، اما تا این پدیده عمق پیدا نکند تا وقتی که اعماق و ضمائر را متحول نماید کار زیادی لازم است». (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۹ / ۲۴۸)؛ «آینده به این ترتیب خواهد بود که هر جا معنویتی عمیق‌تر و خالص‌تر و سالم‌تر و منطبق‌تر با فطرت بشر باشد، جاذبه بیشتری برای ملت‌ها خواهد داشت». (بیانات، ۱۳۶۹/۳/۱۴)

۹. تأکید بر نخبگی و شایسته‌سالاری

توجه به معیار لیاقت، توان و شایستگی و به‌کارگیری نیروهای مؤمن و متعهد، تاکتیک تحقق تمدن نوین در یک نظام اسلامی است. بدین‌جهت دین اسلام برای تولیدکنندگان فکر، اندیشه و هنر و متخصصان دلسوز و با ایمان، ارزش فراوان قائل است. براین‌اساس در تمدن نوین اسلامی، نخبگان از جایگاه والایی برخوردارند. حضرت امام در این زمینه می‌فرماید:

وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۱ / ۹۹) بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان

را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق نمایند. (همان: ۴۱۷) دولتمردان از دانشمندان و متخصصان استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند. (همان، ۱۳۸۷: ۱۹ / ۱۵۹) ... اگر افاضل و دانشمندانی که با فضیلت انسانی هستند اینها سر رشته‌دار یک کشور بشوند، فضیلت در آن کشور زیاد می‌شود. برای اینکه در آن مقامی که هستید، مردم به‌حسب عادت توجه به آنها دارند. (همان: ۱۴ / ۳۵)

۱۰. احیاء تفکر بسیجی و ایثارگری

مجاهدت و فداکاری از ویژگی‌های اساسی در همه حرکت‌های تمدنی است. براین اساس اهتمام نظری و عملی به تفکر بسیجی و جان‌فشانی در راه حق و یکتاپرستی، از آموزه‌های اصیل دین مبین اسلام از عصر پیامبر اکرم ﷺ تاکنون بوده است؛ بنابراین در آینده ایران و نظام مبتنی بر تمدن نوین اسلامی، حاکمیت تفکر بسیجی در تمام عرصه‌ها، بسیار مورد تأکید است. «ملتی که در خط اسلام ناب محمدی ﷺ و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید تمام افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند ... اگر بر کشوری نوای دل‌نشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و إلا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند.» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۱ / ۱۹۵)

۱۱. مردم‌سالاری دینی

یکی از اصول مورد اهتمام در جهان کنونی مردم‌سالاری است. در اندیشه سیاسی اسلام نیز مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. اگرچه نظام اسلامی و حاکم دینی ثبوتاً الهی هستند، اما اثباتاً مردمی است. اساساً مقبولیت نظام اسلامی به پذیرش، حضور و همدلی مردم بستگی دارد. در تدوین و تحقق تمدن نوین در ایران اسلامی نیز به دو مقوله جمهوریت و اسلامیت، به‌عنوان جسم و روح نظام اسلامی توجهی خاص شده است. حفظ، تقویت و پایبندی بر این دو اصل اساسی، موجب قوام و تعالی جمهوری اسلامی بوده و خواهد شد. «آن کسانی که می‌خواستند از درون این نظام، به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنند، نتوانستند موفق بشوند. انقلاب راه خود را، مسیر خود را با قدرت روزافزون تا امروز ادامه داده است و همه کسانی که با انگیزه‌های مختلف در درون این نظام قرار گرفته‌اند، خواسته یا ناخواسته، به توانایی‌های این نظام کمک کردند. به این حقیقت بایستی با دقت نگاه کرد. این ظرفیت عظیم، ناشی از همین جمهوریت و اسلامیت است. از همین مردم‌سالاری دینی و اسلامی است. این است که این ظرفیت عظیم را به وجود آورده است؛ و راز ماندگاری و مصونیت و آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی هم این است و این را جمهوری اسلامی در

ذات خود دارد و ان شاء الله آن را همواره حفظ خواهد کرد». (ر. ک: بیانات، ۱۳۸۸/۸/۲۹)

براین اساس تمدن نوین اسلامی آنگاه تحقق می‌یابد که جهان‌بینی الهی در ساخت فکری مردم رسوخ کند و با عدالت‌طلبی و کرامت‌خواهی، به شکل‌دهی جامعه دینی مبادرت ورزند و از گذار جامعه‌سازی به تأسیس نظام اجتماعی و سیاسی صالح برای حکمرانی نائل آیند و بر اعمال حاکمیتی آن نظارت کنند؛ چراکه مبتنی بر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» جامعه مخاطب به ادای امانت و تشکیل دولت و حکومتی است که ادای امانت بدون آن ممکن نیست، در این صورت باید وجود دولت از خواست مردم سرچشمه بگیرد؛ بنابراین براساس آیه شریفه می‌توان اذعان کرد که حکومت از ناحیه امت سرچشمه می‌گیرد و امانتی است در دست حاکمان که ضمن عدم خیانت به آن می‌بایست در حفظ و بالندگی آن نیز همت کنند از این رو دست یافتن به تمدن نوین اسلامی امری الزامی قلمداد می‌گردد.

نتیجه

تلاش برای تمدن‌سازی و فراهم‌ساختن بسترها و پیش‌زمینه‌های لازم برای چنین امر مهمی از موضوعات حائز اهمیت اندیشه‌ورزی پژوهشگران است. در این تحقیق تلاش گردید با توجه به نظریه پس‌نگری چشم‌انداز ارائه شده در مورد آینده انقلاب اسلامی مطرح شود و ارکان و مؤلفه‌های دسترسی به آن بیان گردد. با ابتدای به مباحث پیش‌گفته، انقلاب اسلامی ایران دارای ظرفیت‌های ذهنی و عینی فراوانی است که فعال‌نمودن آنها می‌تواند موجب افزایش اقتدار ایران در منطقه و جهان گردد. برای تمدن‌سازی جدید، بهره‌گیری از تمام قدرت بالقوه و بالفعل ایران امری اجتناب‌ناپذیر است. اسناد و برنامه‌های ارائه شده از سوی مسئولان در طرح‌ها و چشم‌اندازها، مهم‌ترین منابع کتبی و شفاهی نظام جمهوری اسلامی هست. اندیشه سیاسی اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی، مکتوبات علمی و عملی حضرت امام، منویات مقام معظم رهبری، و ... اساسی‌ترین منشور موجود در افق پیش روی انقلاب اسلامی بوده که کاربست آنها موجب بسترسازی تمدن نوین اسلامی می‌شود. همچنین حاکمیت فرهنگ و مکتب اسلام شیعی بر نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه با تفوق بر بصیرت و بینش امت اسلامی، موجبات تحقق این تمدن را تسهیل می‌سازد. به اعتقاد مقام معظم رهبری گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته جمعی نیاز دارد که در سایه وحدت، انضباط، کار، تلاش، ایمان به خدا، خلاقیت، عقلانیت، توانایی علمی و داشتن رسانه‌های قوی به وجود می‌آید.

آینده‌پژوهان بر این باورند که با ابتدای بر الگوی کنونی، شتاب حرکت به سوی افق‌های متعالی

برنامه‌ریزی شده برای انقلاب اسلامی بسیار کند است؛ چرا که این الگوها بر ارزش‌های بومی پایبند نیستند؛ بنابراین مدیریت حوزه تمدنی، نیازمند بهره‌گیری از ارکان و مؤلفه‌هایی است که تسریع در امور نماید. براین اساس در این تحقیق به برجسته‌ترین ارکان و مؤلفه‌هایی که مستخرج از منویات مقام معظم رهبری هستند اشاره گردید که در صورت به‌کارگیری آنها می‌توان به پویایی تفکر و بالندگی فرهنگی در سطح جهانی دست یافت و دستیابی به امر تمدن‌زا تسریع خواهد شد؛ چراکه بی‌تردید انقلاب اسلامی با تأسی به رهنمودهای رهبری و با پشتوانه اندیشه اسلام شیعی در صورتی که در این طریق پایدار بماند راه پیشرفت و تعالی را خواهد پیمود. براین اساس سه رکن (ایدئولوژی، رهبری و مردم) انقلاب اسلامی تجلی خاستگاه شیعی است و تجربه چهار دهه انقلاب گویای آن است که آینده مطلوب انقلاب اسلامی با ابتنای بر عقلانیت سعادت محور؛ ولایت مطلقه فقیه و تحقق اخلاق و معنویت، دستیابی به پارامترهای قدرت و پویایی در سطح جهانی است که برآیند آن تحقق تمدن نوین دینی است.

منابع و مآخذ

۱. اسلاتر، ریچارد، همکاران، ۱۳۸۶، *دانش واژه آینده پژوهی*، ترجمه عبدالمجید کرامت‌زاده و همکاران، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۲. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۷، *صحیفه امام؛ مجموعه بیانات و اطلاعیه‌های امام خمینی*، ج ۷، ۱۶، ۱۷، ۱۹ و ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. بل، وندل، ۱۳۹۲، *مبانی آینده پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در بیعت اقشار مختلف مردم و مسئولین استان خوزستان و شهر گلپایگان با معظم‌له، ۱۳۶۸/۴/۲۲.
۷. بیانات مقام معظم رهبری در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم السلام، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پادشاه عمان و هیئت همراه، ۱۳۹۲/۶/۴.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پرشور مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰.

۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پرشور هزاران نفر از جوانان با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمع پرشور هزاران تن از دانشجویان در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، ۱۳۷۶/۵/۲۹.
۱۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از شاعران و ذاکران اهل بیت (ع)، ۱۳۹۲/۲/۱۱.
۱۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از قاریان، حافظان و اساتید قرآنی، ۱۳۹۱/۴/۳۱.
۱۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۶.
۱۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۸/۲۹.
۱۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت، ۱۳۸۶/۶/۸.
۱۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی به مناسبت سوم شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۶.
۲۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲.
۲۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹.
۲۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران»، ۱۳۷۳/۶/۲۹.
۲۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام در سالروز بعثت نبی مکرم اسلام، ۱۳۸۸/۴/۲۹.
۲۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۶.
۲۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳/۳/۴.
۲۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۷.
۲۷. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ع)، ۱۳۸۴/۳/۱۴.
۲۸. پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷.
۲۹. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر معارف.
۳۰. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، مهدویت از منظر ولایت، اصفهان، حدیث راه عشق.
۳۱. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، تهران، دانشگاه تهران.

۳۲. دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۹۱، *درآمدی بر تاریخ تمدن*، تهران، بهنود.
۳۳. دی تور، جیمز، ۱۳۷۸، «آینده پژوهی به عنوان دانشی کاربردی»، *فصلنامه سیاست و رهافت*، سید احمد ابراهیمی و عقیل ملکی فر، ش ۲۰.
۳۴. رجیبی، ابوذر، ۱۳۸۸، «علوم انسانی و چرایی بازنگری در آن»، *ماهنامه معارف*، ش ۷۴.
۳۵. روح الامینی، محمود، ۱۳۷۹، *زمینه فرهنگ شناسی*، ج ۵، تهران، عطار.
۳۶. زمانی، مصطفی، ۱۳۹۰، *مبانی حاکم بر مهندسی تمدن نوین اسلامی ایرانی*، سال نخست، پیش شماره ۳.
۳۷. عنایت الله، سهیل، ۱۳۹۳، *پرسش از آینده: روش ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی*، مسعود منزوی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری های دفاعی.
۳۸. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۹۳، *پایان تاریخ و انسان واپسین*، تهران، سخنکده.
۳۹. مستودارد، لوتروپ، ۱۳۲۰، *امروز با مسلمین یا عالم نو اسلام*، سید احمد مذهب، ج ۱، تهران، طبع کتاب.
۴۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران، صدرا.
۴۱. معینی پور، مسعود و رضا لک زایی، ۱۳۹۱، «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی (ع) و مقام معظم رهبری»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، ش ۲۸، ص ۷۶ - ۵۱.
۴۲. نصری، محسن، ۱۳۸۷، *ایران: دیروز، امروز، فردا*، قم، دفتر نشر معارف.
43. Baylis, J. & Steve Smith, 1997, *Globalization of World Politics*, London, Oxford Univeasity Press.
44. Wessels, D. J, 2007, "*The Strategic Role of Project Management*", PM World Today, Vol. IV.